

از سلامت من، سلامت یافتم!

محمد هادی رندزیان



www.DEHSARA.com

سورشناسه	رنگریزان: محمد هادی، ۱۳۳۸ - مولف
عنوان و نام پدیدآور	: از سلامت من سلامت یافتم، یا: خاطرات طرح پایش سلامت/ به کوشش محمد هادی رنگریزان؛
مشخصات نشر	: رشت: دهسرا.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۷-۰۹۳-۴
عنوان دیگر	: خاطرات طرح پایش سلامت.
موضوع	: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
موضوع	: شهیدان -- ایران -- گیلان -- بازماندگان
موضوع	: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خدمات
موضوع	: پزشکان -- ایران -- خاطرات
رده بندی کنگره	: PIR ۴۴۴۹ / ۸۳ الف ۴۴
رده بندی دیویی	: ۸۴۳ / ۶۷۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۷۳۴۵۸

- نام کتاب: از سلامت من سلامت یافتم
- مولف: محمد هادی رنگریزان
- ناشر: انتشارات دهسرا، پسر بزرگ‌پدی ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۸ و ۱۴۰۳
- دفتر مرکزی و نمایندگی: رشت، خیابان لاکانی، ابتدای خیابان هفده شهریور
- تلفن: ۰۹۷۱-۳۳۲۳۰۳۳۲۶ ۰۳۳۲۶۰۰۵۵ ۰۳۳۲۴۰۰۵۵ ۰۱۳-۳۳۲۴۱۹۷۴ فکس
- حروفچینی و صفحه آرایی: انتشارات دهسرا
- نوبت چاپ، تاریخ انتشار: چاپ ششم، سال ۱۴۰۴
- شمارگان: ۱۰۰ جلد
- تعداد صفحات، قطع: ۲۹۶ صفحه، رقعی
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: لیتوگرافی همراهان، رشت، بوکل
- شماره استاندارد بین المللی کتاب: ۴-۰۹۳-۱۹۷-۰۹۶۴-۹۷۸
- قیمت در سراسر کشور: ۴۵۰۰ تومان

www.DEHSARA.com

کلیه حقوق قانونی و شرعی برای مؤلف و ناشر محفوظ می‌باشد و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی، حق تکثیر تمام یا قسمتی از این اثر را نداشته و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

پیشگفتار:

توفیق خدمتگزاری در سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران که یک نهاد انقلابی و وابسته به مقام عظمای ولایت فقیه می‌باشد و خادم بهترین قشرهای جامعه یعنی خانواده معظم شهدا و جانبازان معزز و آزادگان سراقراز بودن، مایه شکرگزاری و مباهات و افتخار اینجانب و همه همکاران کوشا و صدیق می‌باشد. بر خود می‌بالیم که خادم این عزیزان در یک سازمان اردنی هستیم و بر این مینا همواره با اندیشه و عملکرد آرمانی به عنوان سرباز مقام ولایت مطلقه فقیه و به نیابت از دولت خدمتگزار انجام وظیفه می‌نماییم.

نامگذاری سال ۸۹ بعنوان سال «مت مضاعف و کار مضاعف» از سوی مقام معظم رهبری از یک سو و فرصت خدمت محدودی که برای والدین معظم شهداء خصوصاً بیماران مبتلا به بیماریهای صعب‌العلاج و یا لاعلاج در اختیارمان هست، ما را بر آن داشت تا بر اساس مال مولفه‌های تحولی موردنظر، اهتمام ویژه‌ای داشته باشیم. در همین راستا جهت حفظ و ارتقای سطح سلامت والدین معظم شهداء ضمن تداوم طرح پایش سلامت در تمامی شهرستانها و روستاهای استان گیلان که خاطرات مندرج در این کتاب بهترین گواه اثرگذاری آن و شاهد صادقی در افزایش سطح رضایتمندی و سلامت والدین معظم شهداء می‌باشد، تصمیم به راه‌اندازی شبکه درمانی ایثارگران در مرکز و غرب و شرق استان گیلان گرفته شد که جای بسی خوشحالی است! اینجانب و سایر مدیران سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گیلان در جریان دیدار مستمر با خانواده معظم

شهداء اثربخشی این طرح را لمس نموده، شاهد اثرات عاطفی بسیار مفید این گونه خدمات که در قاموس سازمانی ما «مراجعه خادم به مخدوم» و یا «مراجعه معکوس» نامیده می‌شود، بوده‌ایم. امیدوارم با نظر لطف خداوند متعال و عنایت ویژه شهیدان در این راستا شاهد خدمات روزافزون و مستمر به یادگاران دوران انقلاب و دفاع مقدس باشیم. ان شاء الله...

نصیری

رئیس سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران گیلان

شهریور ۱۳۸۹

دیباچه:

با نام و یاد خدا:

تجربه و علم با هم ثابت کرده‌اند، آدم‌ها که پیر می‌شوند تازه معنی حقیقی نیاز به با هم بودن در اجتماع و دوستی‌ها را درک می‌کنند و این مورد در افراد مسنی که مریض هستند و یا عزیزی را از دست داده‌اند بیشتر دیده می‌شود.

میان آمار موجود تعداد والدین معزز شهیدان استان که قریب به هفت هزار و دویست نفر می‌باشند، براساس آمار از پایشهای متمادی تعداد بالغ بر هزار و دویست نفر در وضعیتی تلخ دیده شده‌اند که باید در منزل ویزیت شوند و به عبارتی صعب‌العلاج هستند. به دستور رئیس سازمان و همراهی ایشان و پزشکهای پایش سلامت شهرستان‌ها برای دیدار از این والدین صعب‌العلاج هم، جهت کنترل و نظارت بر درمانشان و هم، دلجویی از آنان در منزلشان برنامه هفتگی داریم. در این همراهی‌ها با رویدادهای ساده اما شیرین و دیدنی و شنیدنی روبرو می‌شویم که نوشتنشان نهالی از حُسن نیست.

در طول طرح از سال ۱۳۸۵ تعداد ۷۰ پزشک وارد کار شدند ولی هم اکنون ۳۵ نفر برای ویزیت والدین و جانبازان گرمای همکاری می‌کنند که برآستی عشق و نیروی بزرگ نیکی است که آنها را نگه داشته است. یکی از پزشکان گرمای می‌گفت: حتی اگر حقوقی برای ویزیت این عزیزان پرداخت نشود، دیدار ما را از این ولی نعمتان قطع نکنید و اجازه دهید، گاهی به دیدنشان برویم.

در همراهی با یکی از پزشکان در روستاهای اطراف به خانه‌ای رسیدیم و طبق معمول، ما منتظر که زنگ در فشار داده شود اما جالب توجه دیدیم که پزشک ما کلید در خانه را از جیب خود درآورد؛ در را باز کرد؛ وارد خانه شد و با یا... یا... ما را به داخل دعوت کرد! عجیب‌تر آن که وقتی وارد شدیم، گویی فرزند بزرگ یا نوۀ آنها به دیدنشان آمده؛ چنان صمیمی با او روبرو شدند که ما غبطه خوردیم چرا جای آن پزشک نیستیم! یا در یکی دیگر از همراهی‌ها با پزشک پایش، خود شاهد بودیم که از سه خانواده روستایی مرد بازدید ایشان، خانواده اول، برایش ترشی گذاشته بودند و خانواده بعدی برنج دودی؛ خانواده سوم نیز سنگ تمام گذاشته به مثابۀ عضوی بسیار عزیز و نزدیک از خانواده، با کنار گذاشتن سهم او، در انتظارش بودند تا امانتی خود را، یعنی غازی از غازهای خانواده را که بیشتر سر بریده بودند، از آنها بپذیرد.

براستی این همه جلوه‌های الهی و شکوه، زیبایی، تداوم و ایثارگری‌های این دل‌های پاک و سرشار از ایمان و مهر این خاندان‌های فداکار است یا پاداش نیکی و نیکوکاری است که این چنین، قلب‌ها را به تسخیر خویش درآورده و می‌آورد؟

به هم نگاه می‌کردیم و لب‌خند می‌زدیم که انگار بعضی‌ها را خدا خیلی دوست دارد، چرا که هم خیر دنیا و هم ان شاءالله، اجر آخرت را نصیبشان می‌سازد! اما داستان اینجا تمام نمی‌شود. دقیقاً به خاطر دارم در یکی از دیدارها پیرمرد ریش سفیدی (پدر شهید) وقتی تعداد فرزندانش را می‌شمرد، پزشک ما را هم به حسابش اضافه کرد!

از سلامت من، سلامت یافتم! / ۱۵

مسأله، کلید خانه کوچکشان، یا غاز و ترشی نیست! مسأله، سهمی است که از دارایی و شادی و تعلق خاطرشان به پزشکهای ما می‌بخشند. در هر حال آرزو می‌کنیم گرچه شریک هدایای پزشکان نیستیم اما از دعای خیر ایثارگران برخوردار و در پاداش آخرت همکارانمان سهمیم. ان شاء الله

خانم دکتر کشوفی

معاون بهداشت و درمان سازمان

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

... شهدا، علاوه بر مقامات رفیع معنوی که زبانها و قلم‌ها از توصیف آن و چشم‌ها و دلها از مشاهده آن ناتوانند، مشعلدار پیروزی و آزادی و استقلال ملت‌اند و حقِ بزرگ آنان بر گردن ملت، بسی عظیم است.*

«مقام معظم رهبری»

طرح پایش سلامت والدین معظم شهدا، یکی از طرحهای تحولی سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران می‌باشد که از زمان شروع آن تاکنون، نقش بسیار ارزنده‌ای در حفظ صحت و در موارد زیادی ارتقای سلامت والدین معظم شهدا داشته است. و بدین است، توفیق در این عرصه با توجه به این که والدین معظم شهدا، در مانگین سنی بالای (۶۰) قرار داشته و وجود بیماریهای زمینه‌ای نظیر «فشارخون»، «نفرایش فشارخون» و «هیپرلیپیدمی و دیابت و بیماریها، اسکلتی - عضلاتی» در دوران پیری اکثریت آنان را با دشواریها و آلام خاص خود مبتلا و دگر کرده و از دیگر سو، غم از دست دادن عزیزانشان که سالیان متمادی است پنجه بر پرده ظریف فکر و روح و روانشان می‌کشد که خود، بار مضاعفی بر این گردهای نحیف جسمی ولی مقاوم و استوار و کوه گون از نظر روحی می‌باشد؛ تا چه اندازه حساس و مهم و البته ارزشمند و ارزنده است. چرا

که بنا به تعبیر مقام عظمای ولایت، «ملت ایران باید در مقابل آنان که در رتبه و شأن معنوی، بلافاصله پشت سر عزیزان فداکار خویش اند؛ احساس احترام کند و خود را موظف به تکریم و احترام بدانند!»*

خدای را شاکریم که همچون تمامی عرصه‌های خدمت‌رسانی به ایثارگران، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گیلان در زمینه پایش سلامت این ذخایر انقلاب و بفرموده امام راحل (ره) «چشم و چراغ این ملت» یعنی والدین معظم شهدا نیز پیشرو بوده، یک سال قبل از شروع مرحلهٔ کشوری، این طرح، اقدام به اجرای آن در استان گیلان نمود. در این راستا، با توجه به داشتن و درمان سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گیلان سال ۱۳۸۵ با به کارگیری تعداد ۲۲ پزشک عمومی در سراسر استان، که ماهانه و ویزیت پدران و مادران مشمول این طرح را در مطب‌ها و درمانگاه‌های طب قرارداد خود، آغاز کرد و با گذشت چند ماه از شروع طرح مذکور، عدم امکان مراجعه تعدادی از این والدین به اماکن درمانی پیش‌بینی شده، به لحاظ شرایط جغرافیایی، صعب‌العبوری و بُعد مسافت، نبود امکانات لازم برای جابجایی و ... از این خدمت‌رسانی را تا منازل آن بزرگواران گسترده کرد و با اعزام پزشکان واجد شرایط به خانه‌های آنان، معاینه و ویزیت احوالشان را به عهده گرفت و نسبت به انجام دادن آن، اقدامات لازم را به عمل آورد. نتیجهٔ این کار، علاوه بر کسب رضایت خاطر والدین معظم شهدا و نزدیک‌تر شدن به اهداف بلند

* همان، ص ۱۵ و نیز بوستان شهادت، ص ۱۲۴

طرح پایش سلامت، برای حصول به مقصود نهایی، دو گام اساسی برداشته شد:

اول، این که برای تمامی ویزیت شدگان از والدین معظم شهدای مستقر در استان گیلان، پرونده پزشکی رایانه‌ای تشکیل شد و دوم؛ ۱۲۰۰ نفر از آنان که مبتلا به بیماری صعب‌العلاج بودند، شناسایی شدند و از آن تاریخ به بعد، والدین شهید مبتلا به بیماری صعب‌العلاج در گیلان دارای پزشکانی با عنوان «پزشک سلامت» یا «پزشک خانواده» شدند و هستند. پزشکانی که خود را معتمد می‌دانند با مراجعه حضوری به منازل آن ایثارپروران در هر ماه، هم‌تون فرزندان، آن عزیزان پیگیر سلامتی آنان باشند و در این راستا از هیچ کوششی دریغ ننمایند.

در حال حاضر، این طرح با پستخانه تجربه چهار سال گذشته و همت و کار و عشق مضاعف دست اندرکاران در حال اجرا است و والدین معظم شهدا در دو گروه «صعب‌العلاج» و «غیر صعب‌العلاج» تحت پوشش طرح پایش سلامت هستند. گروه صعب‌العلاج، همه ماهه در منزل مورد ویزیت پزشک سلامت قرار می‌گیرند و گروه غیر صعب‌العلاج در منزل شش ماهه برای معاینه و ویزیت در مطب پزشکان سلامت، دعوت می‌شوند تا بار دیگر، سلامت آنان مورد ارزیابی دقیق و جدید قرار گیرد. همچنین، پزشکان سلامت در این طرح، به عنوان مشاورین متخصص و از آن مهم‌تر امین والدین شهدا در تمامی اوقات شبانه روز به صورت حضوری و تلفنی در دسترس پدران و مادران بزرگوار شهدا بوده و در صورت لزوم، آنان را به سایر سطوح درمانی طرح یعنی پزشکان متخصص و فوق تخصص و مراکز

بیمارستانی و توانبخشی ارجاع می‌دهند. امید است این کوشش ناچیز، مورد قبول حضرت حق «جلّ و علا» قرار گرفته، در ادامه حرکت پویاتر و مؤثرتر در چنین مسیر خداپسندانه و انسان‌دوستانه، از فضل و رحمت واسعه آن کریم کارساز بنده‌نواز بهره‌مند و برخوردار بشویم. ان شاء الله

دکتر شهریار علی اکبری‌نیا

رئیس اداره درمان و پزشک ناظر ارشد

طرح پایش سلامت استان

گر تن شده چاک چاک از بی‌آبی
 بر پیکر جان نشسته زخم کاری
 دنبال طبیب عشق باشید که او
 هر مرده کند زنده به نازی، آری!

تقدیم و تذکره:

من، با ویریت والدین معظم شهدا، تولدی دوباره یافتم!
 اکنون فقط یک پدر و مادر ندارم بلکه تمام والدین شهدا پدر و مادر
 من هم محسوب می‌گردند. همه آنها مرا به نام پسر، فرزند و جانم
 خطاب می‌کنند و درست در همین لحظه است که اشک شوق در چشمان
 من و آنها حلقه می‌زند!

یادم می‌آید که: روزی به اتفاق ریاست محترم سازمان، معاونت محترم
 بهداشت درمان بنیاد شهید و امور ایثارگران و ... در آن ایام دیگر به
 ملاقات یکی از والدین معظم شهدا رفته بودیم. در زمان ویر: به خانه آنها
 که پوشیده از درختان سرسبز و زیبایی بود، به عادت همیشگی صدا زدم: «
 مادر جان! مادر جان!» و پی در پی با اسم کوچک، مادر شهید را صدا زدم
 . دهان همه از این همه صمیمیت فی ما بین از تعجب باز مانده بود! بله:
 اگر شما هم جای من بودید، بعد از مدتی آشنایی با آن بزرگواران، چنین
 احساسی می‌داشتید. آنها براستی جزیی از من و خانواده‌ی من هستند!

من، با آنها زندگی می‌کنم و از صمیم قلب، دوستشان دارم! به آنها عشق می‌ورزم و از خداوند بزرگ که توفیق این افتخار و خدمت مهم را به من ارزانی نمود، بسیار سپاسگزارم و سر تسلیم و سپاس بر درگاه کبریائیش می‌سایم!

در این راستا از تمام کسانی که باعث و بانی این طرح مهم- طرح پایش سلامت- هستند؛ تشکر کرده خاصه، از سرکار خانم دکتر زیور کشوفی، معاون بهداشت و درمان سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران گیلان و جناب آقای دکتر شهریار علی اکبری‌نیا رئیس اداره درمان سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران گیلان که با درایت و دلسوزی، ارشاد و هدایت این طرح را در گیلان شهید پرورمان به عهده دارند بسیار ممنون و متشکر هستم و برای آنها و عمدی عزیزانی که در گشایش راه ارشاد و مرتفع نمودن موانع آن، به اشکال و طرق گوناگون می‌کوشند و دست- اندرکار هستند، از درگاه الهی توفیقات روز افزون آرزو می‌کنم! همچنین جا دارد به مصداق حدیث شریف: «کسی که سپاهگران مردم نباشد، خدا را شاکر نیست»^{*} ضمن آرزوی توفیق و سپاس خدای عز و جل، معاون محترم پژوهش و ارتباطات فرهنگی سازمان و همکاران تلاشگران مجموعه به ویژه اداره تبلیغات و انتشارات، از پزشکان ارجمندی که یاریگر ما در این عرصه و زمینه بوده‌اند، یاد کرده برایشان در راه انجام وظیفه خطیر و

* در نهج الفصاحه به کوشش دکتر علی شیروانی صفحه ۱۰۵ حدیث مذکور، این چنین ضبط شده است: «وقتی خداوند خیر کسی را به دست دیگری انجام دهد، اگر او را سپاس نگیرد، سپاس خدای را نیز نداشته است».

سترگی که برعهده دارند، از حضرت حق نصرت و عزت و سلامت و سعادت آرزو نمایم. بزرگوارانی که کوشش بی دریغ و اهتمام جدی و مشفقانه آنان نسبت به این مهم، گواه روشنی بر تداوم، توسعه و مؤثر واقع شدن طرح پایش سلامت بوده، خاطراتشان شالوده‌ی مجموعه‌ی حاضر را تشکیل می-دهد و این اثر، مدیون ثبت خاطرات آنهاست، به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

دکتر بابک آریان فر رشت
 دکتر مهدیه ارشد لنگرودی آستانه اشرفیه
 دکتر محمدرضا ارشاد لنگرودی لاهیجان
 دکتر سیروس احمدی رودبار
 دکتر هومن ابراهیمی رشت
 دکتر انوش اصلاحی رشت
 دکتر محمد بهزاد لنگرود
 دکتر سید کاظم حسینی رشت
 دکتر فرید چارانی رضوانشهر
 دکتر شبنم رجبزاده کنفی سیاهکل
 دکتر ایوب شریف پور رودسر
 دکتر علیرضا صفرزاد رشت
 دکتر محمدرضا عاطف یکتا رشت
 دکتر شهریار علی اکبری نیا رشت
 دکتر رسول علیقلی زاده تالش

دکتر یحییٰ عمویی رشت
 دکتر موسی غلامی املش
 دکتر سعید غفوری لنگرود
 دکتر بیژن قاضی زاده آستارا
 دکتر زیور کشوفی رشت
 دکتر سعید کوهی بندرانزلی
 دکتر رامین نوهساری رشت
 دکتر احمد مزین آستانه اشرفیه
 دکتر سید عبدالحمید میرزاوی سیاهکل
 دکتر ذبیح الله مجتبیوی رشت
 دکتر نیما نیکبین رشت
 دکتر سید عزیز هدایی ماسال

خداوند را بزرگوار و ایمان کویش باد.

در مجموعه‌ی "از سلامت من سلامت یافتم!" همراه شما هستیم با:

- پیشگفتار ۱۱
- دیباچه ۱۳
- مقدمه ۱۷
- تقدیم و تشکر ۲۱
- سخن آغازین ۲۷
- در یک غروب نسبتاً بارانی ۳۱
- در کنار هم ۳۹
- نوار قلب ۴۷
- نجات بیمار از بیماری ریه‌ها ۵۵
- انسداد رگ‌های قلب ۶۱
- پس از چندین جلسه دیالیز ۶۵
- به تو فکر می‌کنم، خستگی‌ام فراموش می‌شود ۶۹
- بهتر است سری به پدر شهید بزنم ۷۵
- اینثار پروان جامعه، خود نیز ۷۹
- ای کاش در جبهه شهید می‌شدم! ۸۳
- مرا با بدبختی‌هایم تنها بگذارید! ۸۹
- زائر حقیقی ۹۷
- دور از غوغای شهر ۱۰۳
- کاش ما شاهد نبودیم ۱۱۱
- سالها تحت درمان ۱۱۵
- ای کاش نمی‌پرسیدم! ۱۲۱
- ای کاش می‌توانستیم! ۱۲۵
- بهترین تبریک عید ۱۳۳

- مثل یک ضریح امامزاده ۱۳۹
- اگر فراموشم نکنی، خوب هستم! ۱۴۵
- خارج از وقت تعیین شده ۱۵۱
- به سختی نفس می‌کشید و کمک می‌طلبید ۱۵۹
- تکرار یک خاطره ۱۶۷
- فکر می‌کردیم فراموش شده‌ایم ۱۷۳
- تشکّ ضدّ زخم بستر ۱۷۹
- بهتر ۱۸۳
- هرچه زودتر با کار می‌کردم ۱۸۹
- وقتی که فرزنده ۱۹۵
- در چند قدمی مرگ ۲۰۱
- در ره منزل لیلی که تره است ۲۱۱
- آقا طلبید، رفتیم مشهد ۲۱۵
- این طایفه مظلوم و نجیبند ۲۲۵
- تداوم دوستی و اخلاص ۲۳۱
- پاداش یک عمر طبابت! ۲۳۷
- دکتر؛ مرزگانی بدما ۲۴۳
- خواب خوش! ۲۴۹
- خدایا کسی را به داد من برسان! ۲۵۵
- صحنه خیلی جالبیه! عکس بگیر! ۲۶۱
- کلید قفل آسمان! ۲۷۳
- یاد شهید بهترین خاطره‌است! ۲۸۳
- ضمانتم ۲۸۷

سخن آغازین:

وقتی که مقصد الهی باشد و سالک، به خدا بیندیشد و جز او نبیند و نشنود و تمام هم و غم و تلاش و توجه او معطوف و مصروف به انعکاس "کلمة الله هی الفلأ" و جلوه و جلوات آن باشد، جز نور و جز زیبایی و جز خیر و برکت و تعالی، ظهوری ندارد و بدیهی است با این ظهور سراسر مکت و ثروت و آکنده از نعمت و موهبت:

شکر انداز شکر آید به کامت شود توفیق از یاران راحت ■

این حقیقت نردبان پذیر، به فضل خدا و لطف و عنایت و اسعهی آن کریم کارساز بنده نور که همراه بحمدالله والمنه شامل حالمان بوده در طرح پایش سلامت - انجام ماینات پزشکی و رسیدگی به احوال آن دسته از والدین معظم شهدا و جانبازان که دچار بیماریهای صعب العلاج هستند در خانه های آنان - نیز آن چنان شد که «از سلام تا سلامت» «خاطرات پایش سلامت» در «ملات عامی شفا بخش» «بیماران شفا دهنده» «با پزشکان طرح سلامت» یادآور حاکمیت «باد صبا در چمن لاله» گردید. چراکه فرحبخش و دلپذیر بود و دلچسب و دلنشین؛ آن گونه که روایت شد و حکایت گشت و درباره ی آنها گفتند و نوشتند:

"معاینه والدین معظم شهدا برای من؛ نه تنها نعمت های معنوی بسیاری داشت، بلکه آنها مرا مورد محبت های گوناگون خود نیز قرار می دهند. اکثر آنها وقتی از سفر زیارتی برمی گردند، - سفری که به لحاظ مشکلات جسمی آنان با زحمت زیاد انجام می شود - برای من هم مثل بقیه ی اعضای خانواده هدایایی می آورند. وقتی که فصل میوه فرا می رسد،

اکثر آنها به هنگام خداحافظی اگر شده حتی یک دانه از میوه‌ی فصل را با اصرار و در نهایت محبت و صمیمیت به من می‌دهند. برآستی چگونه می‌شود، ذوق و شوق پدر یا مادری را که به رسم یادبود یا سپاس و تشکر می‌خواهند هدیه‌ای را به تو بدهند، بیان کرد یا با قلم، احساسات پاک آنها را به روی کاغذ آورد! باید با چشمان دید و با قلب، احساس کرد!

چگونه می‌شود حالات روحی و جسمی آنان را وقتی که از ته دل برای دعا می‌کنند، به سطر درآورد یا به تصویر کشید! واقعاً تمام لحظاتی که با آنها هستم و در کنارشان به سر می‌برم، خاطره‌اند! خاطراتی دلنشین، تعالی‌بخش و البتّه فرا سر نشدنی! هرچند که این هم‌نشینی‌های جاودانه گاهی از اوقات، لحظات دردناک هم دارد! این لحظات دردناک، زمانی است که پدری عزیز و محترم با ارزش فداکار و مهربان به رحمت خدا می‌رود و در ورود به خانه‌اش با مصیبت جانکاه فقدان او روبرو می‌شویم؛ که در این صورت، کوهی از غم و اندوه بر این خانه‌ی ما گذاشته می‌شود! مگر می‌شود، در خانه را بزنم و دیگر، صدای مهربان و از عمق جان برخاسته‌ی پدر یا مادر معزز و محترمی را که با رنج و آلام بسیاری طاقت فرسایی دست به گریبان است نشنوم! پدر یا مادر عزیز و بزرگواری که با تمام وجود، پذیرای من است و با جانم، جانم؛ پسر، پسر و بفرمایید، بفرمایید به استقبال من می‌آید!"

و بدین صورت بود که انعکاس این جلوه‌های روحنواز و آرامش بخش و رویدادهای پُر جاذبه و سودمندی که در طی این مهم، بروز کرد ضمن رعایت پاره‌ای از مصالح از جمله امانت‌داری و حفظ آرامش و قرار و... که

حذف بعضی از موارد ضروری و شاخص خاطرات را مجاز می‌نمود؛ با حفظ درونمایه‌های اصلی هریک از آن جلوات پُرکشش با پرداختی داستانی و در قالب قصه‌واره‌هایی که ملاحظه خواهید فرمود، برای جامعه‌ای که رهین منت این مردان و زنان نژاده‌اند؛ به دل نشست و دستور کار قرار گرفت و حاصلش آن شد که تحت عنوان "از سلامت من سلامت یافتیم!" به محضر مبارکتان تقدیم شد. است. امید است، «هوالشہید» بر کشته‌ی ما، باران عنایت ببارد و با آفتاب فضل و رحمت خویش به خوشه نشاند تا کشتی مقصود، در پناه حمیت بی دریغش، محصول را به ساحل رساند. إن شاء الله.